

قصه ۱۲۳ سال استمرار کتابفروشی اسلامیة

در روز کتاب و کتابخوانی به سراغ قدیمی ترین کتابفروشی ایران رفته ایم تا با چهارمین نسل از اداره کنندگان انتشارات و کتابفروشی «اسلامیه» گفت و گو کنیم

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

پنج شنبه • ۲۴ آبان ۱۴۰۳

۱۲ جمادی الاول ۱۴۴۶ • ۱۴ نوامبر ۲۰۲۴

شماره ۲۱۶۴۴

۲۸۵۳



عکس ها از: علی اصغر پور دانیان



اشکان محمودی | خبرنگار

پرونده

۲۴ آبان مصادف با درگذشت علامه طباطبایی، در تقویم روز کتاب و کتابخوانی نام گذاری شده است. از رحلت علامه طباطبایی نزدیک به ۴۳ سال می گذرد اما جالب است بدانید کتابفروشی که روزی کتاب «سنن النبی» ایشان را در چاپخانه خود به چاپ رسانده است، هنوز در قلب تهران فعالیت می کند. برای دیدن این کتابفروشی با گذر از چهارراه گلویندک، طول خیابان ۱۵ خرداد را طی می کنیم تا به بازار آهنگران برسیم. پیدا کردن یک کتابفروشی در این مکان کار آسانی است زیرا به ندرت نشانی از کتاب در بازار به چشم می خورد. بالاخره تا بلوی دستنویسی که عبارت «کتابفروشی اسلامیة» روی آن خودنمایی می کند؛ راهنمای راه مان می شود. هیچ مؤلفه ای کتابفروشی را از مغازه های اطراف متمایز نمی کند و ظاهر آن در نظر رهگذران پر تعداد بازار تهران مانند یک مغازه قدیمی معمولی جلوه می کند. داخل کتابفروشی هم پر است از قفسه های انباشته از کتب کوچک و بزرگ مذهبی. برای دیدن چهارمین نسل از اداره کنندگان کتابفروشی اسلامیة، پلکانی را بالا می رویم تا به اتاق کار ایشان برسیم. مهندس (سیدفرید کتایچی) متولد ۱۳۴۰، دانش آموخته مهندسی صنایع از دانشگاه صنعتی شریف است. او پس از ۱۰ سال فعالیت در حوزه مرتبط با تحصیلاتش، به علت کهنولت سن پدر و عموها، با وجود موقعیت های شغلی مناسب، حرفه خود را ادامه می کند و به کتابفروشی می آید. حالا پانزده سالی می شود که او این جا به همراه عمو خود، سیدجلال کتایچی، کتابفروشی اسلامیة را اداره می کند. آن چه در ادامه می خوانید، مشروح گفت و گو ما با آقای کتایچی است.

تاسیس رسمی کتابفروشی به سال ۱۲۸۰ برمی گردد



فرید کتایچی درباره چگونگی تأسیس کتابفروشی این طور توضیح می دهد: «تأسیس رسمی کتابفروشی اسلامیة به سال ۱۲۸۰ شمسی برمی گردد که توسط من یعنی میرزا محمدعلی کتایچی و شیرازی» در شیراز بنا نهاده شد. آن موقع هنوز صنعت چاپ وارد ایران نشده بود؛ بیشتر مردم ایران بی سواد بودند و تنها عده قلیلی در مکتب، علوم قرآنی می آموختند. ایشان هم برای تأمین کتب مختلف برای افراد باسواد و در وجود چنین خلایی، به وسیله ارتباطاتشان با ایرانیانی که به هند مهاجرت کرده بودند، اقدام به واردات کتاب کردند. آن زمان هندی ها به علت استعمار انگلستان، در حرفه های مختلف از ما جلوتر بودند و همچنین از صنعت چاپ و نشر

پیشرفته تری برخوردار بودند. به همین دلیل ایشان سفارش کتاب های فارسی نظیر قرآن، مفاتیح، کلیات حافظ و سعدی را به ایرانیان هندی دادند و آنان از طریق بسته های چوبی بزرگ و توسط کشتی، کتاب ها را به بوشهر می فرستادند. پس از آن، کتاب ها از بوشهر به شیراز می آمدند و از شیراز به نقاط مختلف کشور ارسال می شدند. برخی از کتاب ها حتی به مشهد یا تبریز رهنمای می شدند. در زمان پادشاهی احمدشاه، میرزا محمدعلی تصمیم می گیرد تا کسب و کار خود را به پایتخت منتقل کند پس در حجره ای در تیمچه حاجب الدوله بازار بزرگ، کار خود را آغاز می کند. هنوز نیز در تیمچه حاجب الدوله، دالانی به نام دالان کتابفروشی ها وجود دارد اما مانند بازار آهنگران و بازار

ردپای بزرگان تاریخ در کتابفروشی اسلامیة

نیاز به تصحیح داشت و ایشان شخصا برای تصحیح و رفع ایرادات حروف چینی به کتابفروشی می آمدند و نسخه چاپ شده را تصحیح می کردند. همچنین مجموعه ۶ جلدی حقوق مدنی دکتر سید حسن امامی که تا به امروز از منابع دانشگاهی است، در این جا به چاپ رسید و هم اکنون نیز نسخه هایی از آن در این جا به فروش می رسد. کتاب «سنن النبی» اثر علامه طباطبایی نیز زیر نظر ایشان به فارسی ترجمه شد و در این جا به چاپ رسید. البته ما همچنان باقیات ایشان را چاپ می کنیم زیرا حق نشر آن متعلق به مجموعه ماست. از دیگر بزرگانی که گذرشان به کتابفروشی اسلامیة می افتاد، می توانیم به آیت الله کمره ای، علامه شعرانی و آقای محمدباقر بهبودی اشاره کنیم».

از آقای کتایچی درباره افراد نامداری که برای خرید یا چاپ کتاب های شان به این جا می آمدند می پرسیم که می گوید: «این جا در گذشته محل رفت و آمد عالمان دینی متعددی بوده که متأسفانه حالا اکثرشان از دنیا رفته اند. کتاب «کشف الاسرار» امام خمینی (ره) برای نخستین بار در این جا به چاپ رسید. البته این اتفاق متعلق به قبل از سال ۴۲ و شروع جریان انقلاب است. روال کار به این صورت بود که امام (ره) نسخه دستنویس خود را تحویل می دادند و ما پس از حروف چینی و مرکب زدن، آن صفحه را چاپ می کردیم. این نسخه به علت ایرادات احتمالی ناشی از حروفچینی

کفشان دیگر هیچ یک از کسبه این حرفه در آن جا فعالیت نداشتند و صرفاً عنوانی از قدیم بر روی این اماکن باقی مانده است. اما این محل، مکان مناسبی برای برپایی یک کتابفروشی نبود؛ زیرا در سقف بازار تنها مدخلی کوچک برای ورود و خروج داشت و از آن جایی که آن زمان برق در تهران نیامده بود، این امر مطالعه کتاب را بسیار سخت می کرد. بنابراین کتابفروشی را به محله ناصرخسرو فعلی منتقل کردند. در مکان جدید، مغازه بر خیابان اصلی بود و از این رو فروش کتاب رونق گرفت اما در زمان رضاشاه، به تمام اهالی آن راسته دستور داده می شود تا مغازه خود را ترک کنند زیرا قرار است در آن مکان ساختمان وزارت دارایی ساخته شود. پس از این جابه جایی در نهایت کتابفروشی به محل فعلی خود یعنی همین جا منتقل می شود».



مهندس «کتایچی» درباره برپایی چاپخانه اسلامیة و سیر تحولی آن می گوید: «در زمان او فعالیت کتابفروشی، ۶۰۰-۷۰۰ عنوان کتاب داشتیم و تصمیم گرفتیم که همه امور مربوط به چاپخانه، صحافی و لیتوگرافی مربوط به این عناوین را خودمان انجام دهیم. این گونه بود که چاپخانه اسلامیة داخل بازار و در کوچه معظم الدوله دایر شد. کار چاپخانه به گونه ای بود که برای انتقال کتاب ها به مغازه و کاغذ به چاپخانه، نیاز به تردد نداشتیم و اسباب باربری بزرگتر داشتیم؛ اما با تبدیل شدن خیابان به پیاده راه و امیسر نبودن عبور و مرور و وسیله حمل و نقل، به شدت به مشکل برخوردیم. این اقدام آسیب زیادی به همه کسبه دو ما هم پس از مدتی به ناچار، عطای چاپخانه را به لقای آن بخشیدیم. به این ترتیب در اوایل دهه ۹۰ چاپخانه اسلامیة به کلی بسته شد و در حال حاضر کتاب ها را برای چاپ به چاپخانه های دیگری می دهیم. همواره در گذر زمان، یک سری شغل ها دستخوش تغییر شدند؛ مثلاً غال فروشی، نفت فروشی یا مشاغل دیگر. اوضاع کتابفروشی ها هم به همین سمت می رود. هم اکنون بسیاری از همکاران مادر همین خیابان، کسب و کارشان را تعطیل کردند؛ مغازه های شان را فروختند و از این جا رفتند. زمانی چندین شریک در همین مغازه با هم همکاری داشتند اما به دلیل نداشتن توجه اقتصادی، دیگر فعالیتی ندارند. ما هم حال و روزی تیغ را می رویم و درآمد حاصل از این جاسر فاکتاف حقوق کارکنان، مالیات و خرج های ضروری مغازه را می دهم و عملاً سودی ندارم. ما برای تعهدی که داریم، این جا را همچنان حفظ کرده ایم. به قول آقا جلال کتایچی؛ ما ریگ ته جویم! تا ببینیم چه پیش می آید».

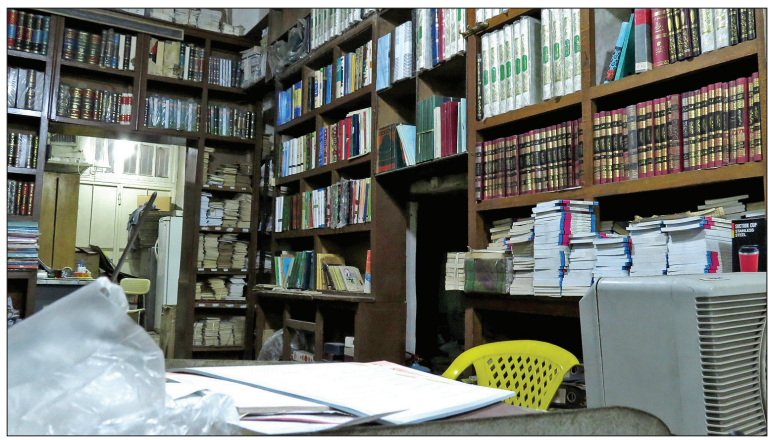
بنابها تعهدمان این جا را حفظ کرده ایم

باید مردم را با کتاب آشتی داد

در انتظارشان نیست. همه این ها باعث شده تا تصور امروز مردم با کتاب را این چنین توصیف می کند: «امروزه به دلیل مشغله فراوان مردم برای برطرف ساختن هزینه های زندگی، کتاب و مطالعه به مسئله ای حاشیه ای تبدیل شده است و جامعه دغدغه وقت کتاب خواندن را ندارد. فردی که پس از یک روز کاری طاقت فرسا به منزلش می رسد، دیگر توان مطالعه چند صفحه کتاب را ندارد و ترجیح می دهد زمان خود را با شبکه های تلویزیونی، ماهواره ای و فضای مجازی پر کند. حتی اگر بخواهد سری به اخبار بزند، دیگر به سراغ تهیه روزنامه نمی رود و با رصد چند خبرگزاری آنلاین یا کانال های فضای مجازی، اخبار مورد علاقه خود را دنبال می کند. به همین دلیل نشریات نیز مانند کتابفروشی های ما حال مساعدی ندارند و آینده روشنی

باید مردم را با کتاب آشتی داد

یکی از دلایل کاهش شدن میل جامعه به مطالعه کتاب، وضعیت اقتصادی و افزایش سرسام آور قیمت کاغذ است. که وزارت ارشاد کاغذ سوبسیدار را در اختیار ما قرار می داد. قیمت تمام شده کتاب، مناسب بود اما پارانها کاغذ چند سالی می شود که قطع شده است



حال کتاب و کتابخوانی وخیم است

«اقبال مردم به کتاب و کتابخوانی بسیار کم شده است». فرید کتایچی با این مقدمه ادامه می دهد: «یکی از دلایل کاهش شدن میل جامعه به مطالعه کتاب، وضعیت اقتصادی و افزایش سرسام آور قیمت کاغذ است. تا زمانی که وزارت ارشاد کاغذ سوبسیدار را در اختیار ما قرار می داد؛ قیمت تمام شده کتاب، مناسب بود اما پارانها کاغذ چند سالی می شود که قطع شده است و ما مجبوریم کاغذ را به صورت آزاد از بازار خریداری کنیم که طبیعتاً موجب افزایش قیمت کتاب می شود. از سوی دیگر، کار ما عمدتاً فروش کتب مذهبی و تعدادی هم کتاب دانشگاهی است که این سبک کتاب ها به اصطلاح رند بازار نیستند. هر چقدر بیشتر در بطن این مسئله پیش رویم، به مشکلات اساسی تر برخورد می کنیم. به عنوان مثال، نیم قرن قبل که کشورمان نزدیک به ۳۵ میلیون نفر جمعیت داشت، حداقل تیراژ کتاب دو هزار نسخه بود و هیچ چاپخانه ای کمتر از این تعداد را تقبل نمی کرد. اما حالا با جمعیتی قریب به ۹۰ میلیون نفر، تیراژ کتاب ها به ۵۰۰ عدد یا حتی کمتر در هر نوبت چاپ رسیده است. بعضی از کتاب ها هم که چاپشان نمی صرفد به صورت نسخه الکترونیک (e-book) منتشر می شوند و عملاً آوردی برای ناشر به همراه ندارند». از آقای کتایچی می پرسیم هم اکنون چه چیزی تعیین می کند که کتابی یا شمارگان بالا به چاپ چند دهم خود برسد؟ در پاسخ می گوید: «عرصه کتاب، حوزه وسیعی است و هر کس به حیطه خاصی از آن علاقه نشان می دهد. هم اکنون یکی از پرتیراژترین کتاب ها، کتب کمک درسی اند که دانش آموزان مجبور به مطالعه آن هستند زیرا در صورت استفاده نکردن از آن، در ادامه راه تحصیلی نتیجه مطلوبی نمی گیرند. البته رمان های خارجی ترجمه شده هم عموماً تیراژ بالایی دارند اما هر دوی این موارد در حیطه کاری ما نیستند و حاضر نیستیم برای سود بیشتر یا تیراژ بالاتر از عرصه کتب حیطه حرفه ای خود دور شویم. این جا کتابفروشی اسلامیة نام دارد و ما باید قداست این کار را از هر جهت حفظ کنیم».